

روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی هرودوت

محمد حیدرزاده^۱ (نویسنده مسئول)

مرضیه بهزادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۹

چکیده

این مقاله به بررسی شیوه تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نویسی هرودوت، تاریخ‌نگار یونان باستان می‌پردازد. در این مقاله، کوشش شده تا پس از نگاهی کوتاه به زندگی هرودوت و ویژگی‌های کتابش *تواریخ*، که کهن‌ترین کتاب تاریخی‌ست که به روزگار ما رسیده است، به شیوه‌های تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگری وی پرداخته شود. هدف هرودوت از نگارش کتابش – آن‌گونه که خود می‌گوید – ثبت و گزارش جنگ‌های ایران و یونان در دوره خشایارشا بوده است. روش تاریخ‌نگاری هرودوت، روش روایی بوده است؛ در نتیجه اغلب فقط یکی از روایت‌هایی که شنیده بود را ذکر کرده است. از نظر مذهبی نیز هرودوت تحت تأثیر خدایان و الهه‌های یونانی قرار داشت و به مشیت الهی بر جریان زندگی بشر عقیده داشت. مسئله مهم این است که آیا کتاب *تواریخ* از محیط زندگی، اندیشه سیاسی و گرایش مذهبی هرودوت تأثیر گرفته است؟ با فرض مثبت بودن پاسخ این پرسش، این عوامل تا چه اندازه بر تاریخ‌نگری، شیوه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی هرودوت اثرگذار بوده‌اند؟

واژگان کلیدی: هرودوت، تواریخ، یونان باستان، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری.

^۱ دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز mamad_heidarzadeh@hotmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه شهید چمران اهواز marziehbehzadi@yahoo.com

زندگی هرودوت

هرودوت، که در زبان یونانی هرودوتوس، به معنای آفریده و داده‌ها خوانده می‌شود، کهن‌ترین تاریخ‌نگار یونانی‌زبان است که کتابش *تواریخ* تا زمان ما باقی مانده است.

برخلاف نویسندگانی که در آغاز کتاب خویش به شرح زندگی خود می‌پردازند، هرودت در ابتدای کتاب خود به این جمله ساده بسنده کرده است که «هدف هرودوت هالیکارناسی از ارائه نتایج پژوهش‌هایش در این‌جا آن است که گذر زمان، گرد فراموشی بر کارهای آدمیان و دستاوردهای بزرگ یونانیان و بربرها ننشاند و به‌ویژه علت درگیری‌های این دو قوم روشن شود».^۱ اطلاعات ما درباره زندگی او بسیار متأخر است که عمدتاً از دو مقاله دانش‌نامه بیزانسی *سودا* گرفته شده است. بر پایه این منبع، هرودوت در هالیکارناس متولد شده بود و در سال ۴۴۴ پیش از میلاد به تروئی در جنوب ایتالیا مهاجرت کرد که احتمال داده می‌شود در همانجا نیز درگذشته باشد.^۲ خانواده هرودوت از اشراف این منطقه بودند و به همین دلیل، وی از زندگی مرفهی برخوردار بود، اما به واسطه اوضاع نابسامان شهر و برخی علل سیاسی، به ترک موطن خود و سفر به جزیره ساموس در یونان ناچار شد.^۳

با آنکه هرودوت اکثر عمرش را در جهان یونانی گذرانده، ولی از آن‌جا که زادگاهش در نخستین سال‌های زندگی وی تحت استیلای ایران بوده، با فرهنگ ایرانی نیز آشنا شد. گرچه با زبان فاتحان سرزمینش آشنا نبود ولی این فرصت برایش پیش آمد که از قوانین، مذهب و فرهنگ آن‌ها آگاهی یابد. این آشنایی با فرهنگ‌های یونان و ایران، او را با قدر و منزلت‌شان آشنا ساخت و سبب شد که درباره دشمنان یونان، قضاوتی منصفانه داشته باشد.^۴

کتاب تواریخ

کتاب هرودوت که *تواریخ* نامیده می‌شود، نخستین تاریخ جهان است که درباره آداب و رسوم اقوام و ملیت‌های گوناگون سخن گفته و مجموعاً ۹ کتاب یا فصل است. گرچه هرودوت کتابش را تقسیم‌بندی نکرد ولی در دوره رنسانس آن را به ۹ کتاب یا فصل‌های مختلف تقسیم کردند و هریک را به نام یک میوز^۵ خواندند. این تقسیمات گاهی با محتوای گزارش خود وفق ندارند ولی در هر صورت اکنون کاربرد سنتی یافته‌اند و سبب می‌شوند تا مراجعه به مطالب کتاب آسان شود. از ۹ کتاب او سه کتاب به آسیای صغیر،

^۱ هرودوت، *تاریخ هرودوت*، ص ۹۵.

^۲ Rollinger, Herodotus, p 254.

^۳ اسکالا، *نقد تواریخ هرودوت*، ص ۲۲.

^۴ اسکالا، *نقد تواریخ هرودوت*، ص ۲۳.

^۵ در اساطیر یونانی، دختران زئوس، خدای خدایان، موز یا موزه (به یونانی: Μῦση) (به انگلیسی: The Muse) نامیده می‌شدند. در افسانه‌های اولیه، آن‌ها ۹ خواهر با یک اندیشه، روح و دل بودند و همه میوز نامیده می‌شدند.

مصر، میان‌رودان، ایران و سوریه و سرزمین‌های مجاور آن، کتاب چهارم دربارهٔ سکاها و کتاب پنجم تا نهم به جنگ‌های ایران و یونان اختصاص دارد.^۱

در *تواریخ* سخن از جنگی بزرگ می‌رود که میان ایران و یونان درگرفت. هرودوت می‌کوشد به این پرسش که چرا ملت‌های مذکور با یکدیگر به منازعه پرداختند پاسخ دهد. او برای چنین منظوری لازم می‌بیند علاوه بر شرح داستان جنگ، از تاریخ، رسوم، مذهب و فرهنگ این دو قوم نیز سخن گوید.^۲

از نقطه نظر مدرن، *تواریخ* شامل ابعاد تاریخ‌نگاری، قوم‌نگاری، جغرافیا و توپوگرافی و همچنین حکایات، شایعات، افسانه‌ها و اسطوره‌هاست. رویدادهای کتاب هرودوت از زمان پهلوانان اسطوره‌ای آغاز می‌شود و به نبرد یونانیان و خشایارشا ختم می‌شود. هرودوت پس از شرحی کوتاه از دوران افسانه‌ای، درگیری بین لیدی‌ها و یونانی‌ها را بیان می‌کند و سپس هنگامی که کرزوس توسط کوروش هخامنشی شکست خورد، امپراتوری هخامنشی مبنای کار هرودوت می‌شود. او در شرح حوادث، مرتباً به وقایع آینده یا گذشته گریز می‌زند و افزون بر این، این تکنیک را نه تنها در شرح رویدادهای تاریخی بکار می‌برد بلکه در استفاده از مطالب جغرافیا و قوم‌نگاری نیز از آن استفاده می‌کند. هرگاه قوم یا شخص مهمی برای نخستین بار در کتاب مطرح می‌شود، هرودوت تاریخچهٔ خاص او را تا دورترین زمان ممکن دنبال می‌کند. اثر هرودوت به گفتهٔ خودش، بررسی دلایل وقوع جنگ بین ایرانیان و یونانیان است و به همین دلیل درگیری بین خشایارشا و یونانیان، یک سوم از حجم *تواریخ* را تشکیل می‌دهد. *تواریخ* با گزارش فتح شهر سستوس توسط یونانیان در سال ۴۷۹ پیش از میلاد به پایان می‌رسد. بنابراین هرودوت تاریخ معاصرش را شرح نمی‌دهد زیرا اثر وی در دههٔ ۴۲۰ پیش از میلاد منتشر شد؛ در نتیجه، او واقعه‌نگار نبوده‌است.^۳

پیشینهٔ تاریخ‌نگاری در یونان باستان

تا پیش از سدهٔ پنجم پیش از میلاد، از نظر تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع، یونانیان فقط اشعار حماسی و سرودهای اساطیری را می‌شناختند و با نگارش وقایع و رویدادها، سالنامهٔ حوادث و جدول وقایع آشنا نبودند و اساساً در این دوره یونانیان خط نداشتند.^۴ ظاهراً نخستین فردی که به بررسی انتقادی تاریخ یونان پرداخت و سعی کرد تاریخ را از اسطوره جدا کند، هکاته بود. وی در کتابی تحت عنوان *شجره‌نامه‌ها*، سرگذشت خدایان و قهرمانان یونان را به ترتیب تاریخ توضیح داده‌است. هرچند او در این اثر نسل خود را بعد از ۱۶ نسل به یک موجود خداگونه می‌رساند، اما سعی داشته روایتی واقع‌بینانه از اساطیر ارائه دهد.^۵

^۱ احمدیان، هرودوت، ص ۹۰.

^۲ هرودوت، تاریخ هرودوت، پیشگفتار مترجم: ص ۱۸؛ اسکالا، نقد تواریخ هرودوت، ص ۲۳.

^۳ Rollinger, Introduction to the Histories, p 255.

^۴ آدمیت، تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم، ص ۲۱۶-۲۱۷.

^۵ Momigliano, Greek Historiography, p 3.

در سده پنجم پیش از میلاد، در دوره‌ای که به عصر طلایی یونان مشهور است، شعر و درام به اوج کمال خود رسیده بود و نثر نیز رواج تمام داشت، سخنرانی، که بر اثر دموکراسی و نظام قضایی رونق یافته بود، یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ یونان شد و با شور و شوق تمام مورد توجه قرار گرفت.^۱ یونانی‌ها احتمالاً تفاوت بین تاریخ و شعر حماسی را دریافته بودند و برای تاریخ دو مشخصه قائل بودند: تاریخ به نثر است ولی شعر حماسی منظوم است و دیگر اینکه تاریخ واقعیت‌های گذشته را از تصورات و خیالات پیشین جدا می‌کند.^۲ در سال ۴۶۶ پیش از میلاد، کوراکس سیراکوزی رساله‌ای نوشت به نام هنر کلمات و قصدش راهنمایی کسانی بود که می‌خواستند در مجامع و محاکم سخن بگویند. گورگیاس این فن را به آنتیان آموخت و آنتیفون شیوه آراسته گورگیاس را در خطابه‌ها و رسالات خود به کار می‌برد و با آن جبهه اولیگارشیک را تقویت می‌کرد. با ظهور لوسیاس، فن خطابه صورتی زنده‌تر و طبیعی‌تر به خود گرفت. ولی فقط سیاستمداران بزرگی چون تمیستوکل و پریکلس بودند که سخنرانی را از تصنع پاک ساختند و تأثیر آن را با سادگی و بی‌پیرایگی آشکار داشتند. سوفسطاییان این سلاح را چنان تیز و نافذ ساختند و شاگردان‌شان چنان در به کار بردن آن ورزیده شدند که چون اولیگارش‌ها در ۴۰۴ پیش از میلاد قدرت را به دست آوردند، آموزش این فن را یک‌سره ممنوع داشتند. نثر دوره پریکلس به تاریخ‌نویسی رونق و اهمیت بخشید و در این دوران بود که پژوهش در اعصار گذشته رواج یافت و به محل و مقام انسان در سیر زمان، آگاهانه توجه شد.^۳ هرودوت با نگارش تواریخ، تاریخ‌نویسی یونانی را آغاز کرد و آغازکننده راهی بود که بعدها نویسندگانی چون توسیدید، کسنوفون، دموستن، افلاطون و ارسطو که اکثر آنان اهل آتن بودند، آن را ادامه دادند. تمرکز تاریخ‌نویسی یونانی بیشتر به تاریخ سیاسی، نظامی و دیپلماتیک محدود می‌شد و تاریخ اجتماعی و فرهنگی را نادیده می‌گرفت.^۴

شیوه تاریخ‌نگاری هرودوت

برخی معتقدند که هرودوت به فنیقیه، بابل، ایران، مقدونیه، مصر و سرزمین سکاها سفر نمود.^۵ در برابر، برخی پژوهشگران این ادعا را به چالش کشیده‌اند و حضور هرودوت در بابل و ایران را نادرست می‌دانند.^۶ به هر حال، منابع مورد استفاده هرودوت، غالباً روایت‌های شفاهی بوده‌اند و هرچه را دیده یا شنیده، نقل و روایت کرده‌است. حتی با فرض حضور وی در سرزمین‌های ذکرشده، از اسناد دیوانی و تواریخ محلی استفاده نکرده، بلکه روایت‌های شفاهی مردمان این سرزمین‌ها را ذکر کرده‌است. برای نمونه هنگامی که از مصر

^۱ دورانت، یونان باستان، ص ۴۸۲.

^۲ Momigliano, Greek Historiography, p 2.

^۳ دورانت، یونان باستان، ص ۴۸۲.

^۴ Grant, Greek and Roman Historians, p 74.

^۵ جعفری دهقی، بازشناسی منابع تاریخ ایران باستان، ص ۳۴.

^۶ نک: هرودوت، تاریخ هرودوت، پیشگفتار مترجم: ص ۶۹.

صحبت می‌کند، کاهنان مصر را مأخذ تحقیقات خویش معرفی کرده و می‌گوید که برای درستی سخن آنان به شهرهای تبس و هلیوپولیس رفته تا گفته‌های آنان را با روایت مردم آن‌جا نیز تطبیق دهد.^۱ اما برخی از پژوهشگران به این نکته با دیده شک و تردید می‌نگردند و اعتقاد دارند که هرودوت می‌کوشید تا منابع روایت‌های خود را منابع شفاهی معرفی کند و بدین منظور یا آن‌ها را می‌ساخت و یا جعل می‌کرد.^۲ ایمروار عقیده دارد که هرودوت در سرتاسر کتاب خود کوشیده تا این پندار را حفظ کند که کارش گزارشی شفاهی است؛ حتی در جاهایی که می‌دانیم یا حدس می‌زنیم که بر پایه منابع مکتوب استوار است.^۳ اما هرودوت در ذکر این روایات شفاهی، اندکی دقت را با خوش‌باوری زیاد می‌آمیزد و روی هم‌رفته، کنجکاوای یک کودک در وجود او بیشتر غلبه دارد تا خوش‌باوری یک پژوهنده.^۴

در پاره‌ای از موارد به آنچه نقل می‌کند و با عقلش درست نمی‌آید ایراد می‌گیرد، اما بسیاری سخنان بیهوده را نیز بی‌آنکه در صحت آن‌ها شک کند ذکر می‌کند. مثلاً از مورچه‌هایی یاد می‌کند که اندازه‌شان از سگ بزرگ‌تر و از روباه کوچک‌ترند و می‌گوید شاه ایران چند رأس از این مورچه‌ها را در اختیار دارد.^۵ هرودوت بسیاری از خرافات را بی‌تأمل می‌پذیرد و هرچا واقع‌ای با اعتقادات مذهبی یا گرایش‌های سیاسی او در تعارض نبود، در بست آن را می‌پذیرد. خود او می‌گوید: «من اگرچه وظیفه دارم آن‌چه را شنیده‌ام بازگو کنم، ولی بی‌گمان مجبور نیستم همه آن‌ها را باور کنم».^۶ با این همه، بسیاری از این سخنان بیهوده را بی‌آنکه در واقع اجباری داشته‌باشد، باور کرده‌است.^۷

روش تاریخ‌نگاری او، روش روایی است. به این معنا که پس از جمع‌آوری اطلاعات خام و دست اول و بررسی روایت‌های مختلف یک رویداد، روایتی که به نظر او به حقیقت نزدیک‌تر بوده را انتخاب نموده و ذکر می‌کند.^۸ در نتیجه علی‌رغم اینکه با چندین روایت مختلف آشنا بوده، غالباً فقط یکی از آن‌ها را روایت می‌کند.^۹ مثلاً درباره زندگی کوروش هخامنشی می‌گوید: «با آنکه در این باره سه روایت مختلف از ایرانیان شنیده‌ام، آن روایتی را نقل می‌کنم که [می‌پندارم] بیش‌تر حقیقت دارد و کمتر به ستایش از کوروش پرداخته‌است».^{۱۰} یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نویسی هرودوت آن است که به‌نظر می‌رسد او هر روایت را جداگانه

^۱ هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۲۳۴.

^۲ Murray, Herodotus and oral history, p 314.

نیز نک به:

D. Fehling. *Herodotus and His 'Sources': Citation, Invention and Narrative Art*. Trns. J. G. Howie. Leeds: 1989.

^۳ Immerwahr, Form and thought in Herodotus, p 6.

^۴ زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۷۷.

^۵ هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۴۰۴.

^۶ هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۸۲۱.

^۷ زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۷۷.

^۸ New Oxford American Dictionary, Herodotos.

^۹ دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۲۰.

^{۱۰} هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۱۴۴.

جداگانه بیان می‌کند و ظاهراً قصد ندارد تا گفته‌های منابع روایت‌های خود را به‌طور اساسی بازبینی کند و آن‌ها را حقیقی‌تر و منطقی‌تر ارائه دهد. در عوض، از هر مکان تنها یک روایت را ذکر می‌کند و هر روایت را از منبعی که می‌پنداشته از دیگران معتبرتر است، ذکر می‌کند.^۱

عمو یا عموزاده هروودوت، شاعری حماسی به نام پانیاسیس بود که با فرمانروای خودکامه هالیکارناس نیز مخالفت و مبارزه می‌کرد. از جزئیات این مبارزه آگاهی درستی در دست نیست، فقط می‌دانیم که پانیاسیس به اعدام محکوم شد و هروودوت نیز به جزیره ساموس تبعید گردید. این همکاری نزدیک هروودوت و پانیاسیس، نشان می‌دهد که هروودوت از عمو یا عموزاده خود تأثیر گرفته‌است. از نظر تاریخ‌نویسی، پانیاسیس در ۹ هزار بیت به شرح پهلوانی‌های هراکلس پرداخته و در هفت هزار بیت حماسه کوچ ایونی‌ها را سروده‌بود و البته پیشگویی هم می‌کرد.^۲ در برابر، هروودوت نیز از معجزات فراوان سخن می‌گوید، گفته غیب‌گویان را با احترام تمام نقل می‌کند و صفحات کتاب خود را با ذکر پیش‌بینی‌های گوناگون پُر می‌سازد. تمام این موضوعات و ماجراهای گوناگون از پهلوانی‌های هراکلس^۳ گرفته تا کوچ ایونی‌ها^۴ و آینده‌بینی‌ها،^۵ نکاتی هستند که در کتاب هروودوت بسیار به چشم می‌خورند.

مکان و محیط زندگی هروودوت نیز در تاریخ‌نگاری او دخیل بوده‌است. هالیکارناس که محل تولد وی بود در ورودی خلیج سرامیک واقع شده و در نزدیکی آن، جزیره کوس قرار دارد. این جزیره محفل اتحادیه‌های صنفی پزشکان بود که نسب خود را به آسکلپیوس، خدای درمان می‌رساندند. اظهار نظرهای متعدد هروودوت در زمینه بیماری‌ها و درمان آن‌ها نشان می‌دهد که وی تحت تأثیر این محیط قرار گرفته بود.

هروودوت از نظر سیاسی به پریکلس، سیاست‌مدار اهل آتن گرایش داشت و از همین‌روی بود که آنچه آتنی‌ها برای یونان انجام داده بودند و مورد انتقاد اسپارتی‌ها بود را می‌ستاید و در کتابش از اسپارت و دیگر شهرهای رقیب آتن با لحن نامساعدی یاد می‌کند. او همچنین از این جهت مورد سرزنش قرار گرفته بود که گاهی از جاده بی‌طرفی و حقیقت‌جویی دور شده و وقایع را آن‌چنان که خواست هواخواهان پریکلس بوده شرح داده است؛^۶ زیرا هدف اصلی وی خوش‌آیندی آتنی‌ها و دفاع از سیاست پریکلس بود و ظاهراً خود را چندان پای‌بند پای‌بند نقد و بررسی مآخذ نمی‌دید. به دیگر سخن، هرجا که ذکر رویدادهای او با مصلحت آتنی‌ها و سیاست پریکلس منافاتی نداشت، بی‌تعصب و بی‌طرف بود ولی هرگاه منافع آتن در میان بود، بسیاری سخنان بی‌هوده را بی‌آنکه در صحت آن‌ها شک کند، بازگو می‌کرد.^۷

^۱ Murray, Herodotus and oral history, p 318.

^۲ McLeod, Studies on Panyassis, p 95.

^۳ برای نمونه نک: هروودوت، تاریخ هروودوت، ص ۲۵۴-۲۵۶.

^۴ برای نمونه نک: هروودوت، تاریخ هروودوت، ص ۱۶۸-۱۷۱.

^۵ برای نمونه نک: هروودوت، تاریخ هروودوت، ص ۱۰۱ و ۱۳۸.

^۶ دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۲۴.

^۷ زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۷۸.

از نظر مذهبی، هرودوت به خدایان و الهه‌های یونانی معتقد بود و مشیت الهی و تقدیر را حاکم بر تاریخ می‌دانست.^۱ در برخی از موارد، به بعضی افسانه‌ها که از دخالت خدایان در امور عالم حکایت دارند صبورانه لبخند می‌زند و حتی در توجیه آن‌ها، علل طبیعی نیز بیان می‌کند. برای نمونه، هنگامی که کرزوس در تل هیزم قرار داشت و شعله‌های آتش از هر سو زبانه می‌کشیدند و راهی برای خاموشی آن نبود، «کرزوس به درگاه آپولون دست به دعا برداشت و با صدای بلند از آن ایزد خواست در قبال پیشکش‌های گران‌بهایی که تقدیمش کرده‌است، وی را از خطر برهاند. ناگهان آسمان صاف که بادی نیز نمی‌وزید پُر ابر شد و طوفانی برخاست و باران تندی بارید و آتش خاموش شد».^۲ در برابر، در پاره‌ای از موارد عاقلانه و منطقی می‌اندیشد و علل مذهبی را به کناری می‌نهد و به جستجوی علت‌های طبیعی می‌پردازد.^۳ ویل دورانت معتقد است که چنین تغییری در بینش هرودوت ناشی از شنیدن عقاید سوفسطاییان در اواخر عمر وی بوده‌است.^۱

نتیجه‌گیری

هرودوت برای نوشتن کتابش از شیوه تاریخ‌نویسی روایی استفاده کرده‌است. به این معنا که از بین روایت‌های مختلف، تنها روایتی را ذکر کرده که می‌پنداشته از دیگر روایت‌ها صحیح‌تر است؛ منبع و سرچشمه این روایت‌ها نیز غالباً شنیده‌های شفاهی او بوده‌اند. گرایش‌های سیاسی و مذهبی هرودوت نیز در تاریخ‌نگاری و همچنین تاریخ‌نگاری او دخالت داشته‌اند؛ چنانکه گرایش او به پریکلس و آتن باعث شده‌بود تا وقایع مرتبط با آتن را به سود آتنی‌ها ثبت کند و هرگاه مطلب یا گزارشی را درباره آنچه مورد پسند خود بود می‌شنید ولی به درستی آن باور نداشت، به تحلیل آن گزارش می‌پرداخت ولی این ریزبینی و تحلیل را در مواردی که احساسات مذهبی یا ملی او را جریحه‌دار نمی‌کند نمی‌بینیم و هرجا که گزارش‌های او با مصلحت آتنی‌ها منافاتی نداشت، بی‌طرف بود ولی هرگاه منافع آتن در میان بود، هر گزارشی، ولو سخن‌های بی‌هوده را می‌پذیرفت. از نظر مذهبی نیز به خدایان و الهه‌های یونانی اعتقاد داشت و مشیت الهی را حاکم بر تاریخ می‌دانست.

پیشینه خانوادگی و محیط زندگی هرودوت نیز در تاریخ‌نگاری و تفکر تاریخی او موثر بوده‌است. عمومی هرودوت، شاعر و سیاست‌پیشه بود؛ او در ۹ هزار بیت به شرح پهلوانی‌های هراکلس پرداخته و در هفت هزار بیت حماسه کوچ ایونی‌ها را سروده‌بود که در کتاب هرودوت نیز بارها به این موضوعات پرداخته شده‌است.

فهرست منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون. *تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۰.
- احمدیان، امیر. «هرودوت». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش. ۱۴۱، ۱۳۸۸. ص ۸۹-۹۴.

^۱ دورانت، یونان باستان، ص ۴۸۴.

^۲ هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۱۳۹.

^۳ برای نمونه نک: هرودوت، تاریخ هرودوت، ص ۸۳۹-۸۴۰.

- اسکالا، اسپنسر دی. *نقد تواریخ هرودوت، جنگ‌های ایران و یونان*. ترجمه محمد بقائی (ماکان). تهران: انتشارات یادآوران، ۱۳۸۷.
- جعفری دهقی، محمود. *بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۹۱.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- دورانت، ویل. *تاریخ تمدن، یونان باستان (جلد دوم)*. ترجمه امیرحسین آریان‌پور و دیگران. سرویراستار، محمود مصاحب. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- زرین کوب، عبدالحسین. *تاریخ در ترازو*. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۰.
- هرودوت. *تاریخ هرودوت*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: اساطیر، ۱۳۸۹.
- Grant, M. *Greek and Roman Historians: Information and Misinformation*. Routledge, 1995.
- Immerwahr, H.R.. *Form and thought in Herodotus*. Philological monographs. Published for the American Philological Association [Chapel Hill, N.C.] by the Press of Western Reserve University, 1966.
- McLeod, Wallace. "Studies on Panyassis: An Heroic Poet of the Fifth Century". *Phoenix*, no. 2 (1966): pp. 95-110
- Momigliano, Arnaldo. "Greek Historiography". *History and Theory*, vol. 17, no. 1 (1978): pp. 1-28.
- Murray, Oswyn. "Herodotus and Oral History Reconsidered". In, *The Historian's Craft in the Age of Herodotus*. ed. N. Luraghi (Oxford 2001) 314-25.
- *New Oxford American Dictionary*, "Herodotos", Oxford University Press.
- Rollinger, Robert. "Herodotus". *Encyclopædia Iranica*, XII/3, pp. 254-288; available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/herodotus> (accessed online at 25 April 2014).
- Rollinger, Robert. "Introduction to the Histories". *Encyclopædia Iranica*, XII/3, pp. 255; available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/herodotus-i> (accessed online at 25 April 2014).